

مطالعات اسلامی زنان و خانواده
دوفصلنامه علمی - پژوهشی
سال هشتم - شماره پانزدهم
پاییز و زمستان ۱۴۰۰

بررسی حکم سقط جنین در مورد تجاوز به عنف بر اساس قاعده نفى حرج

فریبا حکمت^۱

دکتر محمود قیومزاده^۲

عباسعلی حیدری^۳

چکیده

از دیدگاه همه فقهاء، حکم اولی در سقط جنین، حرمت بوده و موارد مجاز بر اساس عناوین ثانویه است. بدیکی از مهم ترین این عناوین، قاعده نفى عسر و حرج است. این قاعده، بر حکم اولیه‌ای مانند حرمت سقط جنین حاکم است و نقش تعیین‌کننده‌ای در جواز سقط جنین حاصل از تجاوز به عنف ایفا می‌کند. مطابق تصریه ماده ۷۱۸ قانون مجازات اسلامی، فقط زن بارداری که ادامه حاملگی برای وی دارای خطر جانی است، اجاره سقط جنین دارد. در این میان، هیچ اشاره‌ای به جنین ناشی از تجاوز به عنف و مخاطرات و مضلالت روحی روانی زن قربانی تجاوز و در نتیجه، عسر و حرج شدید وی و حکم جواز سقط آن نشده است؛ در حالی که در بارداری حاصل از زن به عنف، زن دچار حرج و فشار شدید روحی می‌شود و احتمال خودکشی با قتل توسط بستگان یا از بین رفتن آبرو و حیثیت بعید نیست. در مقاله پیش رو، با روش توصیفی و تحلیل محتوایی و با استفاده از ابزار کتابخانه‌ای، به حکم سقط جنین ناشی از تجاوز به عنف بر اساس قاعده نفى عسر و حرج پرداخته شده و به ابهامات و سوالاتی در این زمینه پاسخ داده شده است.

واژگان کلیدی: سقط جنین، نفى عسر و حرج، تجاوز به عنف

۱. دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمین، خمین، ایران؛ hckmat10625@gmail.com

۲. استاد گروه حقوق دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمین، خمین، ایران؛ (نویسنده مسئول)؛ maareftteacher@yahoo.com

۳. استادیار گروه حقوق دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمین، خمین، ایران؛ ab_heidari@iau_arak.ac.ir

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۶/۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۱۰/۱۳

مقدمه

در جهان کنونی، سقط جنین به علی مانند فرار از بارداری ناخواسته، پنهان ساختن روابط جنسی نامشروع، تنظیم خانواده و انفجار جمعیت، فشار اقتصادی و معیشتی و قربانی تجاوز به عنف شدن و سایر موارد انجام می‌پذیرد. برخی از کشورها در قوانین خود، سقط جنین را در همه شکل‌های آن جایز و روا اعلام نموده و برخی دیگر بر اساس نظر کلیسا، به ویژه فرقه کاتولیک، به طور همه جانبه با آزادی آن مخالفت کرده‌اند؛ اما بسیاری از کشورها نیز آن را به صورت مشروط و با قید و شرط پذیرفته و در موقع ضروری و استثنایی، مجاز دانسته‌اند.

در فقه امامیه و نیز قوانین کشور ایران، سقط جنین در شرایط عادی، حرام و برای همه مراحل جنینی، اعم از نطفه، علقة، مضغه، پوشیده شدن گوشت بر استخوان و نفح روح، دیه متناسب با هر مرحله تعیین شده است. در این میان، جنین به ویژه بعد از ولوج روح، یک نفس محترم و کامل تلقی شده است و از بین بردن آن، قتل نفس بوده و باعث وجوب پرداخت دیه کامل بر سقط‌کننده می‌گردد؛ اما در موارد استثنایی، به علت قاعده نفی عسر و حرج و سمحه و سهلة بودن شریعت، سقط جنین جایز می‌باشد.

در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، ماده ۷۱۸، تنها مورد جواز سقط جنین، حتی بعد از ولوج روح، خطر و تهدید جانی برای مادر در صورت ادامه حاملگی، مقرر شده است. قانون‌گذار در مورد سقط جنین ناشی از تجاوز به عنف، سکوت اختیار کرده و به هیچ حکمی در این زمینه اشاره نکرده است. ظاهر این است که این مورد را نیز همسان با سقط جنین حاصل از زنای بارضایت طرفین، جرم انگاشته است؛ در حالی که میان این دو موضوع، فرق اساسی وجود دارد. در تجاوز به عنف، البته اگر بر اساس شواهد و قرائن اثبات شود، اراده و اختیار زن مورد تجاوز، کاملاً سلب می‌شود و بدن و رحم وی، بدون اجازه و خشنودی او مورد تصرف وحشیانه و غیر شرعی و غیر قانونی قرار می‌گیرد. در این حال، زن پس از آن دچار آسیب‌ها جدی روحي و روانی و عسر و حرج شدید می‌شود و اگر وی باردار شده باشد، این آسیب‌ها دوچندان و مضاعف می‌شود؛ زیرا در اکثر موارد، بستگان نزدیک از حاملگی و تولید فرزند بدون پدر قانونی و مشخص اطلاع می‌یابند و خطر خودکشی و قتل زن و فتنه و درگیری افزایش

می‌باید. اما در زنای بارضایت، زن با اختیار و آزادی کامل، تن به این جرم شنبیع می‌دهد و قطعاً آثار و تبعات آن از جمله امکان حاملگی و مطلع شدن اطرافیان و موارد دیگر را می‌پذیرد. حال با توجه به این مقدمات، حکم سقط جنین حاصل از تجاوز به عنف و نقش و جایگاه عنوان ثانویه نفی حرج در آن از منظر قوانین موضوعه و نظرات فقهای امامیه چیست؟ برای پاسخگویی به این مسئله، در این نوشتار، دلایل جواز سقط جنین حاصل از تجاوز به عنف به ویژه قبل از ولوج روح با استناد به قاعده نفی حرج و با تکیه بر اقوال فقیهان معاصر امامیه، مورد بحث و فحص و کنکاش قرار می‌گیرد.

۱. مفهوم‌شناسی

۱.۱. تجاوز به عنف در لغت و اصطلاح

۱۴۳

واژه تجاوز از ریشه جوز به معنای از حدگذشتن و افراط کردن در چیزی است (ابن‌منظور، بی‌تا، ج، ۲، ص ۴۱۸) و چون در گناه زنا، انسان پا را فراتر از قانون و حد الهی خداوند، یعنی ازدواج می‌نهد و از آن تعدی و تجاوز می‌کند، گاهی به جرم زنا، مجازاً تجاوز اطلاق می‌شود. قرآن کریم در مورد تجاوز از حدود الهی می‌فرماید: «وَمَن يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُون؛ وَ كسانی که از حدود خدا تجاوز کنند، بی‌تردید آنان ستمکارانند» (بقره: ۲۲۹). واژه عنف در لغت به معنای شدت و خشونت و ضد رفق و مدارا است. اعتنف الامر، یعنی آن را با عنف و اعنف الشیء، یعنی آن چیز را با سختی و شدت گرفت. (ابن‌منظور، بی‌تا، ج، ۹، ص ۴۲۹)

تجاوز یا زنای به عنف، در اصطلاح به معنای زنا کردن به زور، اکراه و تهدید و بدون رضایت زن می‌باشد. تجاوز به عنف، از جنبه فقهی با عنوان زنا به اجبار و اکراه مطرح شده و در روایات، تحت عنوان «غصب فرج» ذکر شده است (حرّ عاملی، ۱۴۲۴، ج ۲۸، ص ۱۰۸). حد تجاوز به عنف، قتل مرد زانی متجاوز است، خواه مُحسن باشد یا غیر محسن و نیز در زنای به عنف، اگر زن در زمان دفاع از خود، مرد را به قتل برساند، دیه‌ای بر عهده او نیست.

(نجفی، ۱۴۱۲، ج ۴۳، ص ۸۷)

بنابراین مهم‌ترین رکن تجاوز به عنف، زور و اکراه نسبت به زن قربانی تجاوز است که در

۱.۲. تعریف لغوی و اصطلاحی نفی عُسر و حرج

این جرم شنبیع، زن هیچ اختیار و اراده‌ای از خود ندارد و اجبار به تمکین می‌شود و شخص متجاوز، چنین زنی را در جهت اطفاعی هوس و شهوت نامشروع خود، به پایین‌ترین درجه حیوانیت تنزل می‌دهد و منزلت و مرتبه ملکوتی والهی او را سرکوب می‌کند.

واژه عُسر در لغت به معنای ضيق و شدّت و ضدّ یُسر و آسانی است. خدای متعال می‌فرماید: «سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا» (طلاق: ۷) و عسر و دشواری، میان دو یسر و آسانی قرار داده شده است: یا فرج و گشايش زودهنگام در دنيا یا پاداش مددت دار در آخرت. همچنین آيه «فَسَتَّيَسِرُهُ لِلْعُسْرِيٰ؛ اور را برای راه سخت، که همان عذاب اخروی است آماده می‌کنیم» (لیل: ۱۰) و «يَوْمُ عَسِيرٍ؛ روز سخت و شدید و شوم» (مدثر: ۹) و «تعسّر الامر» یعنی سخت و پیچیده شد. (ابن‌منظور، بی‌تا، ج ۹، ص ۲۰۱)

حرج در لغت به معنای ضيق، محدودیت و تنگناست (ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ص ۲۴۲) و در لسان العرب نیز چنین ذکر شده که حرج به معنای ضيق، تنگنا، گناه و حرام است. (ابن‌منظور، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۰۷) حرج در اصل به معنای اجتماع و انبوهی شیء است، به‌گونه‌ای که موجب حصول تصور ضيق و تنگی میان آن اشیاء شود. (همان، ص ۱۰۸)

ملاحدم نراقی، حرج را شدیدتر از عُسر می‌داند و قائل است که میان آن دو، عموم و خصوص مطلق است؛ یعنی عسر، اعم از حرج است. به عبارت دیگر، هر حرجی، عسر است؛ اما هر عسری، حرج نیست (نراقی، ۱۴۰۰، ص ۶۱). برخی براین عقیده‌اند که عسر نسبت به بدن و حرج نسبت به نفس خواهد بود. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۸۴)

همچنین نفی عُسر و حرج در اصطلاح بدین معناست که در شریعت مقدس اسلام، خداوند هیچ حکم حرجی و سخت و مشقت آور بر مکلفان تشريع نکرده است. قاعده نفی عُسر و حرج، از قواعد مسلم فقهی و یکی از عنایون ثانویه بوده و حاکم و ناظر و مقدم بر دلیل‌های احکام اولیه است. درباره دلیل نفی حرج آمده: در احکام اولیه که به ادلّه آن ثابت شده است، حکم حرجی وجود ندارد. (بجنوردی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۵۵)

۱.۳. سقط جنین در لغت و اصطلاح

سقط در فارسی به معنای برف، شبنم که به برف ماند، آتشی که از چخماق برجهد و درنگیرد و بچه ناتمام افتاده و سقط جنین به افتادن جنین قبل از نمو کامل در رحم اطلاق می‌شود (معین، ۱۳۶۴، ج. ۲، ص. ۱۸۶). سقط در لغت عرب به معنای سقوط و افتادن است: «أَلَا فِي الْفِتَّةِ سَقَطُوا؛ آگاه باشید که به فتنه و گناه افتاده‌اند» (توبه: ۴۹) و اسقاط، به معنی ساقطکردن است: «أَوْ تُسَقِّطُ السَّمَاءَ كَمَا زَعَمْتَ عَلَيْنَا كِسْفًا؛ یا آسمان را آن‌گونه که گمان کرده‌ای، پاره پاره بر سر ما بیفکنی» (اسراء: ۹۲). «و مساقطه، همان ساقطکردن است، با این تفاوت که پی‌درپی بودن در آن مراد است». (خوری شرتونی، ۱۴۲۷، ج. ۳، ص. ۳۴۵)

لغت جنین از ریشه جن مشتق شده که به معنای پوشیدن و مستورکردن است. «جَنَّهُ حَتَّاً وَ جُنُونًا؛ سَتَّشَرَ» یعنی آن را پوشاند. (ابن‌منظور، بی‌تا، ج. ۲، ص. ۳۸۵)

۱۴۵

در مفردات آمده: «اصل الجَنِّ، سترا الشَّيْءَ عَنِ الْحَاسِّهِ»، یعنی ماده جن، پوشاندن چیزی از حسّ بینایی انسان است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳، ص. ۳۵۷) و به قلب، جَنَانَ گویند که در میان بدن پوشیده است. همچنین به سپر، مجن و مجنه و جَنَّه گویند که صاحب شکم مادر او را پوشانده است و جنین به معنای مجنون و پوشانده شده است: «إِذْ أَنْثُمْ أَجْنَّهُ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ؛ آن‌گاه که شما در شکم مادران، جنین‌ها بودید» (نجم: ۳۲، ۱۳۸۴، ص. ۲۷۷) بنابراین جنین به بچه‌ای اطلاق می‌شود که در رحم مادر است؛ البته تا زمانی که در رحم مادر است و هنوز متولد نشده است. پس مبدأ جنین، انعقاد نطفه در رحم و انتهای آن، لحظه ماقبل ولادت است.

در مورد معنای اصطلاحی سقط جنین تعاریف فراوانی از سوی حقوق‌دانان ذکر شده که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم:

جعفری لنگرودی در تعریف سقط جنین چنین نوشت: «سقط جنین، جرمی است که نتیجه آن، بیرون‌انداختن جنین از رحم باشد و فاعل جرم، اعم از مادر یا پدر یا ثالث، قصد این نتیجه را داشته باشد؛ خواه وسائلی به کار برده باشد یا نه. مورد سقط جنین آن است که جنین عادتاً پس از اسقاط، قابل ادامه زندگی نباشد. ممکن است سقط جنین در نتیجه

۲. مبانی فقهی قاعده عسر و حرج

فقها برای استنباط جواز سقط جنین در موارد استثنایی، به قواعد و عناوین ثانویه استناد کرده‌اند. برخی از این عناوین، احکام ثانویه‌ای است که اساس مباحث فقهی است و به عنوان دلیل ثانویه حاکم بر احکام اولیه بوده و بر عمومات و اطلاعات آنها مقدم‌اند (موسی خمینی، ۱۳۸۴، ص ۶۶۳). مهم‌ترین این عناوین، قاعده نفی عسر و حرج است. منظور از قاعده لاحرج این است: تکالیفی که موجب مشقت و سختی و حرج برای مکلف است در دین اسلام وجود ندارد. در تعریف آن گفته شده است: «هر عملی که انسان را به ضيق و فشار و حرج اندازد، دشوار و سخت هم هست و هر کاری که انجام دادنش، برای آدمی سخت و شدید باشد، موجب تنگی و اعمال فشار بر او نیز می‌شود. به علاوه، ضابطه تعیین مصادق عسر و حرج، عرف است که مطابق آن، هر کاری که موجب مضيقه و تنگنا باشد، حرج و دشواری نیز تلقی می‌شود» (محقق داماد، ۱۳۸۵، ص ۹۱). این قاعده، حکم حرجی را در دین

جرائم دیگری از قبیل ضرب، حاصل شود و عنوان سقط جنین هم صدق نکند مثل اینکه چند روز مانده به تولد، بر اثر ضرب، بچه ساقط شود و چون عادتاً طفل در آن موقع، قابل ادامه زندگی است، عنوان سقط جنین صدق نمی‌کند ولی اگر طفل مرده باشد، آن وقت عنوان قتل، صادر است (ماده ۸۵۲ قانون مدنی). در مواردی که سقط را قانون تجویز می‌کند، جرم سقط، صدق نمی‌کند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۵۳، ص ۲۰۱)

پروفسور لاکاسانی بر این عقیده است که سقط جنین هرگونه عمل و وسیله‌ای است که از روی عمد و اراده، به وسیله نوشیدن یا خوردن داروهای ساقط کننده یا مانورهای مستقیم، منجر به مرگ و اخراج جنین گردد؛ به طوری که دوران حاملی تغییر کند. (قاسمی، ۱۳۳۲، ص ۵۴) بر این اساس، شریعت و قانون برای جنین از موقع انعقاد نطفه تا هنگام تولد، ارزش قائل شده و آن را محترم دانسته است و قانون مجازات اسلامی، هر اقدامی را که موجب سقط و ازبین رفتن جنین بشود، خواه عمدی باشد یا شبه عمد یا خطای محض، آن را تحت عنوان سقط جنین به حساب آورده و برای آن دیه معین کرده است.

نفی می‌کند؛ به این نحو که در اسلام هیچ حکم حرجی که موجب مضيقه و درتنگنا افتادن مکلفان باشد، تشریع نشده است. این قاعده، احکام اولیه‌ای را که سبب پدیدآمدن مشقتی غیر قابل تحمل می‌گردد، برمی‌دارد. البته مقصود از عسر و حرج، هر نوع سختی و دشواری نیست؛ زیرا به جا آوردن بسیاری از تکالیف شرعی، مانند روزه‌گرفتن در تابستان و گزاردن حج در شرایط دشوار، توأم با مشقت است؛ بلکه مقصود، مشقت و سختی شدیدی است که بر حسب عادت، غیر قابل تحمل است.» (هاشمی شاهروdi، ۱۳۹۲، ج، ۶، ص ۴۳۸)

قاعده نفی حرج، بر این موضوع دلالت دارد که اگر مکلف به حرج بیفتند و دچار سختی و مشقت شود، آن حکم از او برداشته می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵، ص ۲۶۴). مهم‌ترین دلیل این قاعده، آیاتی از قرآن، از جمله: «وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمِ الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» (حج: ۷۸) و «وَمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ» (مائده: ۶) و این روایت است که عبدالاعلی به امام صادق علیه السلام می‌گوید که: به زمین افتاده و ناخن وی جدا شده و انگشت خود را با پارچه بسته است. حال چگونه باید وضو بگیرد؟ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: حکم این قضیه از این آیه روشن می‌شود که خداوند فرموده است در دین بر شما حرجی قرار داده نشده است؛ پس بر آن مسح کن. (حر

عاملی، ۱۴۲۴، ج، ۱، ص ۳۲۷)

قاعده نفی عسر و حرج بر بسیاری از احکام حکومت می‌کند و فقیه با تشخیص موارد عسر و حرج، که با اختلاف زمان و مکان مختلف می‌شود، مانع از به سختی افتادن مردم می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵، ص ۲۵۴). از این رو اصل سمحه و سهله‌بودن شریعت، مکلف را از قرارگرفتن در مضيقه خارج می‌سازد. البته این طور نیست که قاعده نفی عسر و حرج در همه جا جاری باشد؛ موضوعاتی وجود دارد که شارع به هیچ وجه، حتی در هنگام عسر و حرج، راضی به انجام آنها نیست و حکم جواز آنها را صادر نمی‌کند. از قبیل:

۱. قتل یک انسان به خاطر رفع عسر و دشواری
۲. رها کردن مرزهای دارالاسلام و بلاد اسلامی
۳. ایجاد تمہیدات برای فساد و بی‌بندوباری جوانان مسلمان

همچنین این قاعده، شامل موارد مرتبط با اصل تشریع و قانون‌گذاری نمی‌شود؛ مانند

احکام جهاد، صیام، زکات، انفاق و انجام قصاص. بنابراین هرگاه دلیل اولیه، یک حکم واجب را تشریع کرده باشد و یا عملی را حرام دانسته باشد، آن حکم به وسیله قاعده نفی حرج برداشته نشده و منتفی نمی‌گردد.

۳. سقط جنین حاصل از تجاوز به عنف در قوانین ایران

از جنبه قانونی، این پرسش مهم مطرح می‌شود که اگر حاملگی از طریق تجاوز به عنف نسبت به زن واقع شده باشد، درحالی‌که هیچ‌گونه محبتی میان والدین و جنین آن دو وجود ندارد، آیا در صورت سقط جنین می‌توان حکم وجوب پرداخت دیه و مجازات‌های سنگین را برای زن قربانی تجاوز و مباشران سقط اعمال نمود؟ مسلم است که باید میان جنین حاصل از زنا، که با رضایت طرفین انجام پذیرفته و تجاوز به عنف، قائل به تفکیک شویم؛ درحالی‌که سقط جنین ناشی از زنای به عنف در ایران، مانند زنا با رضایت طرفین، غیر قانونی است و فقط در ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ اشاره شده که مجازات تجاوز به عنف، اعدام فرد متتجاوز است و زن مورد تجاوز قرارگرفته شده با توجه به بند الف ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مبنی بر رائمه خدمات به بزه‌دیده در جهت رفع یا کاهش آثار زیان بار مادی یا معنوی ناشی از جرم با رضایت بزه‌دیده، بزه‌دیده محسوب می‌شود و در نتیجه، مستحق ارائه خدمات و حمایت‌ها نسبت به اوست؛ ولی در هیچ‌یک از قوانین جزایی و کیفری، به حکم جواز یا عدم جواز سقط جنین حاصل از زنای به عنف اشاره نشده و ظاهراً قانون‌گذار این مورد را همسان و یکسان با سقط جنین ناشی از زنا تلقی می‌نماید و طبق ماده ۷۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تنها موردی که اجازه سقط جنین داده شده، هنگامی است که جان مادر در خطر باشد؛ در حالی که به دلایل بیان شده در پایان این تحقیق، قطعاً سقط جنین حاصل از تجاوز به عنف، بر اساس عنوان ثانویه نفی حرج و با تکیه بر آرای فقهای معاصر امامیه جایز می‌باشد.

حال با توجه به حمایت قانون‌گذار نسبت به شخص بزه‌دیده، که زن قربانی تجاوز از بارزترین مصادیق آن است، آیا روا و پسندیده است که چنین زنی را به تحمل بارداری و حضانت

و پرورش طفل ناشی از این تجاوز، محکوم و مجبور کرد؟ آیا چنین زنی وظیفه قانونی و شرعی دارد که مراحل بارداری و نگهداری از نطفه کسی که بزرگترین جنایت را نسبت به وی مرتکب شده و قطعاً از قتل وی هم شدیدتر و بدتر است و تا آخر عمر، نسبت به مرد متباوز و آثار عمل مجرمانه وی، یعنی جنین وی، انزجار و نفرت شدید دارد، ادامه دهد؟ و آیا زن شوهرداری که به او متباوز شده، باید مکلف باشد جنین فرد متباوز را در رحم خود نگه دارد و پس از تولد، او را بپروراند؟ در این صورت، عکس العمل شوهر وی نسبت به جنین حاصل از نطفه دیگری با زور و تجاوز و پرورش آن چه خواهد بود و آیا ادامه بارداری را می‌پذیرد؟ در حالی که گاهی هم شوهر و هم بستگان زن بزه‌دیده و هم ولی دختر قربانی جرم، نسبت به تجاوز به عنف و جنین ناشی از آن بی‌خبرند و اگر به این قضیه اطلاع یابند، هر لحظه جان آن زن یا دختر در خطر است و احتمال قتل و خونریزی و فتنه‌های فراوان به تبع آن، زن باید اجازه داشته باشد که آثار متباوز را بر طرف کند و سقط حمل کند تا احدی نسبت به این جرم و جنین ناشی از آن مطلع نشود. همچنین علاوه بر خوف قتل و فتنه، اگر زن مجبور به ادامه حاملگی باشد، در غالب موارد، هیچ بختی برای بازگشت به ازدواج شرعی و زندگی عادی نخواهد داشت و جامعه نیز هیچ نگاه امیدوارکننده و مثبتی به این زنان ندارد؛ زیرا آنان ناخواسته و از روی اکراه و اجبار، مجبور به عملی شده‌اند که هیچ جرم و گناهی در آن مرتکب نشده‌اند؛ ولی جامعه به آنان، نگاه توبیخ‌کننده دارد و فرزندان آنان را حرامزاده می‌شناسند.

می‌توان گفت که قطعاً قربانیان زنای به عنف بیش از دیگران نیاز به حمایت دارند. بنابراین نخست باید به آنان اجازه داد با مشاوره پزشک متخصص، دوران بارداری را متوقف کنند و سپس تحت درمان پزشک و نیز روانپزشک قرار گیرند و از خدمات درمان رایگان بهره برند. علاوه بر آن باید بتوان با حمایت نهادهای مدنی، برای احراق حقوق تضییع شده و مطالبه زیان‌های مادی و معنوی به آنان در مراحل قضایی کمک کرد تا امیدوار بود که آنان بار دیگر خوش‌بینی خود را نسبت به جامعه بازیابند و از آثار ناگوار خشونت جنسی، التیام

پذیرند. (اردبیلی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۵)

که به او متباوز شده، باشد جنین فرد متباوز را در رحم خود نگه دارد و پس از تولد، او را بپروراند؟ در این صورت، عکس العمل شوهر وی نسبت به جنین حاصل از نطفه دیگری با زور و تجاوز و پرورش آن چه خواهد بود و آیا ادامه بارداری را می‌پذیرد؟ در حالی که گاهی هم شوهر و هم بستگان زن بزه‌دیده و هم ولی دختر قربانی جرم، نسبت به تجاوز به عنف و جنین ناشی از آن بی‌خبرند و اگر به این قضیه اطلاع یابند، هر لحظه جان آن زن یا دختر در خطر است و احتمال قتل و خونریزی و فتنه‌های فراوان به تبع آن، زن باید اجازه داشته باشد که آثار متباوز را بر طرف کند و سقط حمل کند تا احدی نسبت به این جرم و جنین ناشی از آن مطلع نشود. همچنین علاوه بر خوف قتل و فتنه، اگر زن مجبور به ادامه حاملگی باشد،

در غالب موارد، هیچ بختی برای بازگشت به ازدواج شرعی و زندگی عادی نخواهد داشت و جامعه نیز هیچ نگاه امیدوارکننده و مثبتی به این زنان ندارد؛ زیرا آنان ناخواسته و از روی اکراه و اجبار، مجبور به عملی شده‌اند که هیچ جرم و گناهی در آن مرتکب نشده‌اند؛ ولی جامعه به آنان، نگاه توبیخ‌کننده دارد و فرزندان آنان را حرامزاده می‌شناسند.

می‌توان گفت که قطعاً قربانیان زنای به عنف بیش از دیگران نیاز به حمایت دارند. بنابراین نخست باید به آنان اجازه داد با مشاوره پزشک متخصص، دوران بارداری را متوقف کنند و سپس تحت درمان پزشک و نیز روانپزشک قرار گیرند و از خدمات درمان رایگان بهره برند. علاوه بر آن باید بتوان با حمایت نهادهای مدنی، برای احراق حقوق تضییع شده و مطالبه زیان‌های مادی و معنوی به آنان در مراحل قضایی کمک کرد تا امیدوار بود که آنان بار دیگر خوش‌بینی خود را نسبت به جامعه بازیابند و از آثار ناگوار خشونت جنسی، التیام

پذیرند. (اردبیلی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۵)

لذا شایسته است قانون‌گذار در مورد بارداری حاصل از تجاوز به عنف، سقط چنین جنینی را مشمول کیفر قرار ندهد و اجاره سقط جنینی را، که بدون هیچ اختیاری از سوی زن حادث شده و اگر متولد شود دچار مضلات شدید اجتماعی و معیشتی می‌گردد، بدهد.

۴. تحلیل حکم سقط جنین حاصل از تجاوز از نظرگاه فقهی

در حکم اسقاط حمل ناشی از تجاوز به عنف از نگاه فقهی می‌توان به دلایلی تمسّک کرد که مهم‌ترین و مبرهن‌ترین آنها، نفی عسر و حرج است و در آراء و فتاوای فقهای عظام، هرگاه مسئله سقط جنین مطرح شده، بیشتر به این قاعده توجه گردیده است.

۴،۱. تحلیل حکم سقط جنین ناشی از تجاوز در آیات و روایات

در آیات قرآن و نیز روایات، درباره سقط جنین در باب دیات و غیرآن، هیچ اشاره‌ای به سقط جنین ناشی از زنای به عنف نشده و در نتیجه شاید بتوان در هنگام مردّبودن میان حلیت و حرمت این عمل، بر اساس اصل حلیت یا اباhe «کل شیء لک حلال حتی تعلم اته حرام بعینه» (مصطفوی، ۱۴۱۷، ص ۱۲۳) حکم نمود.

تفصیل مطلب اینکه خدای متعال در آیات ۱۵۱ سوره انعام: «و فرزنداتنان را از ترس تنگدستی به قتل نرسانید؛ ما شما و آنها را روزی می‌دهیم» و ۳۱ سوره اسراء: «و فرزنداتنان را از بیم فقر و گرسنگی نکشید، ما به آنها و شما روزی می‌دهیم» و ۱۴۰ سوره انعام: «قطعاً کسانی که فرزندان خود را از روزی سبک‌مغزی و جهالت کشتند، زیان کردند»، از کشتن فرزندان به سبب ترس از تنگدستی و فقر منع کرده است و این آیات نه تنها هیچ دلالتی بر حرمت اسقاط جنین حاصل از تجاوز ندارند، بلکه حتی به علّت عدم اطلاق کلمه ولد بر جنین، بر منع از سقط جنین در حالت عادی نیز دلالتی ندارند؛ البته حرمت سقط جنین از روایات معتبری مانند مرسله شیخ مفید از امام علی^ع (حر عاملی، ۱۴۲۴، ج ۲۸، ص ۱۰۸) و صحیحه ابوعبیده از امام باقر^ع (همان، ص ۱۰۷) و روایت اسحاق بن عمار از امام کاظم^ع (همان، ص ۱۰۶) استنباط می‌شود و همه این روایات، ناظر به اسقاط حمل در حالت عادی و ترس از بارداری

هستند و در هیچ کدام به سبب و علت حمل مانند تجاوز به عنف و حتی بارداری ناشی از زنای با محارم و نیز عسر و حرج عارض شده بر زن به سبب چنین جرم شنبیع و حرمت یا حلیت آن اشاره‌ای نشده است.

۴.۲. تفاوت اساسی میان زنای با رضایت و تجاوز به عنف

درست است که زنای به عنف یکی از انواع زنا محسوب می‌شود و همان‌گونه که سقط جنین ناشی از زنا، بنا به فتاوی اکثریت قریب به اتفاق فقهاء، حرام است؛ پس سقط جنین حاصل از تجاوز به عنف نیز که نوعی زناست، حرام می‌باشد؛ چنان‌چه قانون‌گذار نیز در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، سقط جنین در همه مصادیق آن از جمله سقط جنین حاصل از زنا را جرم‌انگاری کرده و مستحق حبس و پرداخت دیه دانسته و تفکیکی میان زنای با رضایت و تجاوز به عنف قائل نشده است.

در پاسخ باید به این نکته مهم اشاره شود که قربت و رابطه طبیعی میان فرزند متولدشده از زنا - که از نظر طبیعی، این فرزند، فرزند پدر و مادر زناکار خود هست - و والدین او وجود دارد؛ اما از نظر قانون و اعتبار، هیچ ارتباطی با آن دو نداشته (طباطبایی، ۱۳۸۳، ج ۱۸، ص ۴۷۱) و قانون توارث میان این طفل و والدین زناکار وی وجود ندارد؛ زیرا والدین طفل متولد از زنا از او ارث نمی‌برند و طفل نیز از آن دو ارث نمی‌برد و میراث طفل به بستگان مادری وی تعلق می‌گیرد (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۷، ص ۱۶۴). در نتیجه، همه وظایف و مسئولیت‌هایی که والدین شرعی و قانونی نسبت به فرزند مشروع خود دارند، تمامی این مسئولیت‌ها را والدین زناکار نسبت به طفل نامشروع خویش دارا می‌باشند و در نتیجه، سقط جنین حاصل از زنا حرام می‌باشد. اما در تجاوز به عنف، زن هیچ اراده و اختیاری در آن نداشته و دست‌بسته مجبور به تمکین شده و کوچک‌ترین جرم و گناهی مرتکب نشده است. در نتیجه، برخلاف زنای با رضایت، که طرفین، طی یک قرارداد و رضایت شفاهی و نانوشته، تبعات و آثار این عمل از جمله امکان حاملگی زن و حادث شدن جنین را پذیرفته‌اند، در تجاوز به عنف، نه قرارداد و عقد کتبی میان طرفین وجود دارد، نه قرارداد شفاهی و پذیرش و رضایت قلبی و عملی. بنابراین زنی که

قربانی تجاوز شده، فقط وسیله و ابزاری برای اطفای هوس و شهوت نامشروع مرد متتجاوز گردیده و در نتیجه، رَجم وی مورد تصرف و غصب حرام شخص مهاجم و سپس پدیدآمدن جنین نامشروع قرار گرفته واردۀ زن در همه این مراحل به کلی مسلوب شده است؛ براین اساس، حق سقط برای وی محفوظ می‌باشد.

۴.۳. وحدت ملاک یا تنقیح مناط

وحدت ملاک یا تنقیح مناط یکی از روش‌هایی است که مجتهد به وسیله آن، قصد شارع را از کلام وی استخراج می‌نماید و حکم واقعه‌ای را که در مورد آن، نص وجود دارد، به واقعه‌ای که در مورد آن، نصی وجود ندارد، سرایت می‌دهد (هاشمی شاهروdi، ۱۳۹۰، ص ۳۶۶). حال اگر فرد یا افراد کافر یا ناصبی به زن مسلمانی تجاوز دسته جمعی به عنف کردند و زن در نتیجه این عمل، باردار شد، از لحاظ فقهی تکلیف چیست؟ آیا ادامه حاملگی و عدم سقط نطفه متتجاوز، موجب عسر و حرج شدید زن نمی‌شود؟ در اینجا حکم مسئله را باید بر اساس شرایط ویژه بررسی کرد. عبدالرحمن بن حسن حبنکه، از نویسنده‌گان اهل سنت، سقط جنین ناشی از تجاوز به عنف را تا قبل از ولوج روح مجاز دانسته است؛ اما بعد از ولوج روح، به علّت عدم دسترسی به آیه و روایتی در این مورد، سکوت کرده و فتوایی صادر نکرده است و بعد می‌نویسد که فقهاء در مورد زنانی که در جنگ‌ها مورد تجاوز به عنف دسته جمعی قرار گرفته بودند، فتوا دادند که سقط جنین حاصل از آن برای چنین زنانی جایز است (حبنکه، ۱۴۱۱، ص ۱۲۰). همچنین برخی از فقیهان عامه، سقط جنین ناشی از تجاوز افراد غیر مسلمان را تا چهل روز و برخی دیگر نیز تا قبل از ولوج روح مجاز دانسته‌اند. (موقعه، ۲۰۰۵، ج ۲، ص ۲۹۳)

حال با توجه به وحدت ملاک شاید بتوان گفت که متتجاوز کافر و متتجاوز مسلمان، در جرم زنای به عنف، هیچ تفاوتی ندارند و در هر دو، تجاوز بدون رضایت و اراده زن و نیز توشّل به زور و وحشی‌گری و خوی شیطانی انجام پذیرفته و حکم هر دو نیز اعدام است و مسلمان بودن با نبودن متتجاوز، تاثیری در حکم ندارد. به علاوه که در قرآن و روایات، حکم سقط جنین ناشی از تجاوز فرد مسلمان و کافر مطرح نشده است و اصل حلیت در اینجا حاکم

است و از طریق وحدت ملاک، ممکن است گفته شود: همان‌گونه که سقط جنین حاصل از تجاوز کافر یا کافران مهاجم، جایز است، سقط جنین ناشی از زنای به عنف مهاجم مسلمان، که جان وی دیگر ارزشی ندارد واعدام می‌شود، به ویژه قبل از ولوج روح جنین، جایز می‌باشد.

۴.۴. نفی عسر و حرج و حکم سقط جنین ناشی از تجاوز

شاید بتوان مهم‌ترین و مبرهن‌ترین دلیل جواز سقط جنین حاصل از تجاوز به عنف را قاعده نفی عسر و حرج دانست. مسلم است که زن قربانی تجاوز، در اثر حاملگی ناشی از آن، از لحاظ روحی روانی و معیشتی، به خطرات و آسیب‌های جدی دچار می‌شود و حمل و تولد جنین، که از عمل شنبیع و نامشروع فرد متتجاوز، منعقد شده و از لحاظ اصل و نسب، پدر مشخص شرعی و قانونی ندارد. وجود چنین طفلی که در تمام طول زندگی به علت فقدان نسب مشروع و قانونی، دچار سختی‌های طاقت‌فرسا و آزار و اذیت‌های بسیار می‌گردد، برای آن زن، عسرآور و حرج‌آفرین می‌شود. همچنین اطلاع‌یافتن دیگران، به ویژه بستگان نزدیک، نسبت به تجاوز به عنف و زنایی که از روی اغفال دختر واقع شده است، با ادامه حاملگی و تولد فرزندی که پدر وی معلوم نیست، در بسیاری از مواقع، موجب شعله‌ورشدن آتش درگیری و اختلاف میان خانواده‌ها و قتل و خونریزی ناموسی می‌گردد. در کشور ما بسیار اتفاق افتاده است که با مطلع شدن پدر یا برادر یا دیگر بستگان زن نسبت به تجاوز یا زنای از روی اغفال و فریب دختر و به ویژه حاملگی زن پس از آن عمل نامشروع، آن زن توسط خود این بستگان به قتل رسیده، بدون اینکه در این تجاوز، مرتکب گناه و جرمی شده باشد. از سوی دیگر، در بسیاری از مواقع، مرد متتجاوز، متواری می‌شود و با فرار وی، هیچ تشنجی خاطری به جهت اعدام فرد متتجاوز برای زن حاصل نمی‌شود و فقط بار سنگین مشکلات روحی روانی طاقت‌فرسا و عسرآور حاملگی و حضانت فرزند ناشی از تجاوز، برای زن قربانی باقی می‌ماند و نیز خوف خودکشی زن و ازین‌رفتن آبرو و حیثیت وی با ادامه حاملگی و عدم سقط جنین وجود دارد. بنابراین به علت تمامی صور و حالات مذکور، عنوان ثانویه نفی عسر و حرج در اینجا بر دلیل‌های اولیه حرمت سقط جنین، حاکم و مقدم است و در نتیجه، سقط برای زن جایز می‌باشد.

برخی از فقهاء معاصر امامیه هم در فتاوی خود در زمینه سقط جنین ناشی از تجاوز به عنف، به قاعده نفی حرج استناد و تمیک کرده‌اند. از نظر اکثر آنان، سقط جنین حاصل از تجاوز به عنف قبل از ولوج روح جایز است و حتی بعضی از آنان قائل به جواز آن بعد از ولوج روح شده‌اند. در پاسخ به این استفتا که اگر ادامه حاملگی حاصل از زنای به عنف موجب عسر و حرج و آسیب‌های روحی روانی و خانوادگی برای زن باشد، آیا جایز است قبل از ولوج روح در جنین نسبت به سقط آن اقدام کرد، آیت‌الله سیستانی فرموده است: در هر موردی که بقای جنین موجب حرج شدید باشد، اسقاط جایز است قبل از ولوج روح (سیستانی، ۱۴۲۵، ص ۲۷۴). حضرت آیت‌الله خامنه‌ای معتقد‌نند که در اثر تجاوز جنسی، قطعاً فشار روحی زیادی به مادر تحمیل می‌شود؛ به‌طوری‌که هم در دوران حمل و هم بعد از تولد کودک نامشروع، مادر دچار عسر و حرج شدید می‌شود؛ لذا بعید نیست در این مورد بتوان قائل به جواز سقط جنین شد (خامنه‌ای، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۸۲). آیت‌الله شیرازی معتقد‌نند در چنین فرضی، با کل خصوصیات مذکوره، جایز است (شیرازی، ۱۴۳۱، ص ۳۴۶). آیت‌الله فاضل لنکرانی در این زمینه بر این عقیده‌اند که اگر روح در جنین دمیده نشده (قبل از چهار ماهگی) و مراحل اولیه را طی می‌کند، در صورتی که دختر اطمینان دارد و احتمال عقلایی بدهد که اگر جنین را سقط نکند مورد اذیت و آزار غیر قابل تحمل قرار می‌گیرد و در عسر و حرج شدید واقع می‌شود، در چنین فرضی بعید نیست که سقط جنین حرام نباشد (فاضل لنکرانی، ۱۳۷۷، ص ۵۵۰). محمد آصف محسنی نیز در این زمینه معتقد است که سقط جنین در موارد استثنایی، مانند زنای به عنف و با محارم، جایز می‌باشد. (محسنی، ۱۳۸۶، ص ۶۷)

همان‌گونه که برخی در پاسخ به همان استفتاء، به استناد قاعده نفی عسر و حرج، سقط جنین حاصل از تجاوز به عنف را جایز دانسته و گفته‌اند: اگر زنی از زنا آبستن شود، جایز نیست بچه‌اش را سقط کند؛ لیکن اگر قبل از چهار ماهگی برای جلوگیری از تضییع آبرو و حیثیت سقط کند، نمی‌توان گفت حرام است، بلکه به جهت رفع حرج و مشکلات تضییع آبرو مخصوصاً با فرض توبه جایز است و حتی پس از این مدت نیز با توجه به نامشروع بودن جنین و اینکه ادلّه حرمت سقط، تنها فرزندان مشروع را شامل می‌شود، قول به جواز سقط

نتیجه‌گیری

سقوط جنین از جرایمی است که در تمام ادیان، زمان‌ها و مکان‌ها، دارای اهمیت بسیاری بوده و در اکثر کشورها و از دیدگاه اغلب مذاهب، ممنوع است. بنا به دیدگاه فقیهان امامیه، حکم اولیه سقط جنین، حرام و ممنوع است و فقط در صورت عارض شدن عناوین ثانویه و قواعد حاکمه مانند نفی عسر و حرج، جواز سقط به‌ویژه قبل از نفخ روح صادر می‌گردد. یکی از موارد مهم استثنای حرمت سقط جنین هنگامی است که براثر تجاوز به عنف، زن قربانی این تجاوز، ناخواسته باردار شود. در قوانین کیفری، تنها مورد جواز سقط جنین هنگامی است که جان مادر در خطر قرار گیرد؛ اما به سقط جنین ناشی از تجاوز به عنف، که زن هیچ اراده‌ای در این عمل و حامله‌شدنش براثر آن نداشته و رحم وی بازور و اکراه به ناحق و بدون اجازه تصرف شده، هیچ اشاره‌ای نشده و فقط به عنوان بزه‌دیده، وفق ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری، می‌توان او را مستحق خدمات و حمایت‌های قانونی دانست. در اینجا ظاهراً قانون‌گذار، میان سقط جنین

حاصل از زنای با رضایت و سقط جنین ناشی از تجاوز به عنف، هیچ تفاوتی قائل نشده و هردو را جرم تلقی کرده است؛ درحالی که میان تجاوز به عنف و زنای با رضایت طرفین، فرق اساسی وجود دارد؛ زیرا در اولی، زن بدون اراده و رضایت، مقهور و قربانی اراده دیگری می‌شود و عنف و اکراه، رکن رکین این عمل است، اما در دومی، زن با اراده و اختیار خودش، آگاهانه به رابطه نامشروع تن می‌دهد و آن‌گاه باردار می‌شود. حال کسی که با اراده خود اقدام به زنا نموده، باکسی که اراده اش کاملاً سلب شده است، همسان شمرده شده و مجازات سقط در هر دو یکسان است و این عادلانه نبوده و مناسب است اسقاط حمل از جانب زن مورد تجاوز، سهل گرفته و مورد حمایت قرار گیرد. بنابراین اگر بارداری، ناشی از تجاوز به عنف باشد و زن هیچ دخالتی در بارداری نداشته باشد، در موارد بحرانی و خوف، آسیب‌های جدی روحی، جسمی، حیثیتی و عسر و حرج شدید به زن و خانواده او ایجاد می‌شود. حتی در برخی موارد، خوف خودکشی یا قتل زن توسط برخی از بستگان او وجود دارد و نیز در برخی اوقات، هیچ‌کس از این تجاوز و حاملگی زن در اثر تجاوز اطلاعی ندارد و اگر زن جنین خود را سقط نکند، دیگران قطعاً از وجود جنین نامشروع باخبر می‌شوند و هر لحظه آن زن در خطر قتل و فتنه و آبروریزی و حرج شدید و مالایطاق قرار می‌گیرد. به دلیل قاعده نفی عسر و حرج و همان‌گونه که فتوای برخی فقهای معاصر، که آنان قائل به جواز سقط جنین حاصل از تجاوز به عنف قبل از ولوج روح هستند، باید به زنان قربانی تجاوز، اجازه سقط به‌ویژه قبل از نفح روح داده شود.

پیشنهادات

با توجه به نکات پیش‌گفته، یکی از بهترین راه‌ها، پیشگیری از وقوع چنین اتفاقاتی در جامعه با آموزش صحیح است. همچنین مراکز مشاوره در مدارس و دانشگاه‌ها می‌توانند با ارائه آموزش‌های مفید در این خصوص، قبل و بعد از رخداد مذکور، برای آگاهی و اطلاع‌رسانی حکم سقط جنین و گناه آن و بالابردن سطح آگاهی جوانان، از عواقب بارداری نامشروع مؤثر واقع شوند. دیگر اینکه قانون‌گذار می‌تواند با توجه به قصد و نیت طرفین و اینکه عمل با اکراه از جانب زن واقع شده باشد یا خیر، در حکم زن مُکره، استثنای قائل شود.

فهرست منابع

- ابن فارس، احمد بن زکریا (١٤٥٤ق)، معجم مقاييس اللغة، قم: مؤسسه النشر الاسلامي.

ابن منظور، محمد بن مكرم، (بی‌تا)، لسان العرب، بيروت: دار احياء التراث العربي.

اردبیلی، محمدعلی (١٣٨٩ش)، حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات میزان.

بنجوردی، سید محمد حسن (١٤٥٣ق)، القواعد الفقهیه، قم: مؤسسه النشر الاسلامي.

جعفری لنگرودی، محمد جعفر (١٣٥٣ش)، ترمینولوژی حقوق، تهران: بنیاد راستاد.

حبنکه، عبدالرحمن بن حسن (١٤١١ق)، «الاجهاض، آثاره و احکامه»، مجلة البحوث الفقهیه المعاصره، سال دوم، ش. ٧.

حرّ عاملي، محمد حسن (١٤٢٤ق)، وسائل الشیعه، بيروت: مؤسسه آل البيت.

خامنه‌ای، سیدعلی (١٣٨٣ش)، رساله اجوبه الاستفتائات، تهران: انتشارات بین‌المللی هدی.

خوری شرتونی، سعید (١٤٢٧ق)، اقرب الموارد، تهران: دار الاسوه.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (١٣٨٣ش)، مفردات الفاظ القرآن، قم: نشر ذوى القربى.

سيستانی، سیدعلی (١٤٢٥ق)، توضیح المسائل، قم: انتشارات نورالمیین.

شیرازی، سید محمد (١٤١٧ق)، الفقه، قم: دار العلم.

صانعی، یوسف (١٣٨١ش)، استفتائات پژشكی، قم: نشر میثم تمار.

طباطبایی، سید محمد حسین (١٣٦٣ش)، تفسیرالمیزان، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

فضل لنکرانی، محمد (١٣٧٧ش)، جامع المسائل، قم: نشر مهر.

قاسمی، احمد (١٣٣٢ش)، سقط جنین از نظر اجتماعی، رساله پایان تحصیلات لیسانس رشته قضایی، تهران: دانشکده حقوق.

فرشی، سیدعلی اکبر (١٣٨٤ش)، قاموس قرآن، تهران، دارالكتب الاسلامیه.

کلینی، محمد بن یعقوب (١٣٦٧ش)، الکافی، تهران، دارالكتب الاسلامیه.

محسنی، محمد آصف (١٣٨٦ش)، سقط جنین در فقه اسلامی، تهران: انتشارات سمت.

محقق داماد، سید مصطفی (١٣٨٥ش)، قواعد فقه، بخش مدنی، تهران: انتشارات سمت.

مصطفوفی، سید محمد کاظم (١٤١٧ق)، مائه قاعده فقهیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

معین، محمد (١٣٨٣ش)، فرهنگ فارسی معین، تهران: انتشارات امیرکبیر.

مکارم شیرازی، ناصر (١٤٢٥ق)، القواعد الفقهیه، قم: مدرسه امیرالمؤمنین علیه السلام.

_____ (١٤٢٦ق)، استفتائات حذف، قم: مدرسه امیرالمؤمنین علیه السلام.

۲۵. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۸۴ش)، آیات الاحکام، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رهنما.
۲۶. موقعه، سعید بن منصور (۲۰۰۵م)، الموسوعه الفقهیه الاجنه والاستنساخ البشري من الناحيه الطبيه والقانونيه، اسكندرية: دار القيمه.
۲۷. نجفی، محمد حسن (۱۴۱۲ق)، جواهر الكلام فی شرح شرایع الاسلام، بيروت: دار احياء التراث العربي.
۲۸. نراقی، احمدبن محمد مهدی (۱۴۰۰ق)، عوائد الايام، قم: نشر اسماعيليان.
۲۹. هاشمی شاهروodi، سید محمود (۱۳۹۲ش)، فرهنگ فقه، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.